

کیمیان

یادداشت روز

دو حماسه بزرگ در یک قاب

دی‌ماه در تقویم ایران اسلامی، صرفاً یک ماه ششمی نیست؛ بلکه فصلی است که بر گ‌های زین تاریخ انقلاب اسلامی را بخون شهیدان و بصیرت ملت روزی می‌زند. این ماه، ماه حماسه‌است؛ ماهی که با دی ۱۳۸۸، تجلی کلمهٔ شور انقلابی مردم در برابر فتنه‌ای سازمان‌یافته رقم خورد و سپس، با ۱۳ دی ماه، با شهادت شهید هاشیمه جوادیان حاج قاسم سلیمانی، به اوج رسید. دی‌ماه، حماسهٔ است که فصل جدیدی از مقابله با دشمنان را با خود به ارpegان آورده است؛ فصلی که امتداد منطقی آن را می‌توان در حماسه خرداد و تیر ۱۴۰۴ هم مشاهده کرد. با نگاه به این دو نقطه تاریخی - ۵ دی ۸۸ و تیر ۱۴۰۴- و نقش بار بصیرت مردم، استنادی بر نیروهای مسلح تا پای جان و هدايت رهبری حکیمانه انقلاب در این بزرگراه‌ها نشان می‌دهد چگونه خط ولایت و مقاومت ملت ایران در برابر فتنه‌های نرم و سخت، در طول حیات انقلاب از این کشور و انقلاب میبایست و حفاظت کرده است.

دی‌ماه، برای ملت ایران، ماه نزول بصیرت در برابر فتنه‌های شیطانی دشمنان است. دی ۹، ۱۳۸۸، روزی بود که انقلاب اسلامی، آزمون سختی را پشت سر گذاشت. پس از ۷ ماه فتنه با درون‌انداز که با دسیسه‌های خارجی و طراحی دقیق رهبری داخلی همراه بود، دشمنان تصور می‌کردند که بنیان‌های نظام متزلزل شده‌است. اما بصیرت مردم و تبعیت از رهبری معظم انقلاب، مانده می‌همیشه، بر خالص برای پی‌گیری این فتنه وارد کرد. فتنه ۸۸، نمونه‌ای عریان از اجزای پروژه‌های جنگ نرم بود. دشمنان با بهره‌گیری از رسانه‌های خبری گسترده و شبکه‌های اجتماعی نوظهور، سعی در مهندسی افکار عمومی و ایجاد شکاف میان مردم و نظام داشت. آن‌ها با قلب واقعیت‌ها و بزرگ‌نمایی مطالبات، سعی در شلغور و ساختن آشوب فتنه‌ای داشتند که ریشه در باورهای دینی و ملی مردم داشت. در چنین شرایطی، ۵ دی، به مثابه طوفان خشم الهی مردم مدینه ایران بود که با حضور میلیونی در خیابان‌ها، نه تنها فتنه را خاموش کرد، بلکه به دشمنان داخلی و خارجی اعلام کرد که ایران اسلامی، نه‌اغل فریب‌کاری‌های رسانه‌ای و بازی‌های سیاسی است و نه مغلوب چنین فریب کارهایی که دشمنان طراحی و اجرا می‌کنند، می‌شود. تحلیل واقعۀ ۵ دی، نشان می‌دهد که قدرت ایمان، بسیج عمومی و ولایت‌مداری، قوی‌ترین سلاح در برابر جنگ نرم دشمنان است.

اما دی‌ماه، با شهادت سردار سلیمانی در ۱۳ دی‌ماه، ایعاد جدیدی از تقابل را به نمایش گذاشت. شهادت ایشان، نه تنها یک ضایع بزرگ برای محور مقاومت بود، بلکه عملیاتی تئوریتی بود که توسط بزرگ‌ترین نظام مسلم جهان طراحی و اجرا شد. این اقدام، عموماً با صحنهٔ دشمن از نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی در منطقه بود. دشمن می‌خواست با حذف بزرگ فرمانده جبهه مقاومت، محور مقاومت را تضعیف کند و بر تری نظامی و امنیتی خود را به رخ بکشد. اما شهادت ایشان برای دشمنان، نتیجه‌ای معکوس داشت. ۱۳ دی، به جای تضعیف، موجب اتحاد بیشتر جبهه مقاومت شد و زمینه را برای انتقامی سخت فراهم کرد. شهادت سردار سلیمانی، نشان داد که تقابل با ما مستحکم‌تر، دیرگوتر و به عرصه نرم نیست؛ بلکه در عرصه سخت نیز دشمن لطمه‌ای از دشمنی خود نمی‌برد. برعکس می‌آید و مزایا مگره برای توافقی برای دشمنی که کمر به نابودی دلسی گرفته می‌شود. این پیش‌بینی، خواهد این مذاکرات در هتل «کوبورگ» و بین طرف‌های اروپایی- آمریکایی در دولت روحانی باشد یا در کاخ پادشاه عمان در سقسط با «اشنوی ویتگان» نماینده ویژه دولت متجاوز و ترامپ به مراکز هسته‌ای کشورمان در دولت پزشکیان تارک در دیده شده است.

این دو حادثه، یعنی ۵ دی و ۱۳ دی، دو روی یک سکه هستند. ۵ دی دفاع و هفتۀ انقلاب در برابر فتنه داخلی و ۱۳ دی شهادت شهیدان حضور این‌ها در منطقه و مبارزه با دشمنان خارجی است. هر دو، که مصداقیت «حق الهی یعنی آمریکا را برانگیخته بود و نهایتاً آن جنایت بزرگ در شهادت سردار سلیمانی را رقم زدند، در هر دو مقطع، مردم، نیروهای مسلح و رهبری نقشه‌ی محوری ایفا کردند. دشمن در مردم در ۵ دی، حضور میدانی و اعلام انزجار از طریق رسانه داخلی و پیام انتقامی که در دشمن بیرونی در مقابل انقلاب برانگیز آن‌ها در بستر فتنه ۸۸ بود و نقش رهبری حکیم انقلاب در ۹ دی بمبار بصیرت به ملت ایران بود و در قضیه شهادت شهید سلیمانی، دیدیم که بدون هیچ ترسی از آمریکا، با هوافضای سپاه در دوران حیات با برکت شهادت خواجه‌زاده چندین موشک به پایگاه «عین الاسد» بزرگ‌ترین پایگاه آمریکایی‌ها در عراق در ۱۸ دی‌ماه به تلافی شهادت سردار سلیمانی شلیک کرد. پیام در هر دوی آنها، آمادگی کامل برای خشم و روشنگری بود که نواست مسیر انقلاب را از انحراف و خطر دور کند.

با ورود به قرن جدید و پشت‌سر کشاندن حوادث سال‌های سخت دهه چهارم انقلاب و نگاه به این تحریبات تاریخی، این روزها شاهد جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی رسیدیم.۳ تیر ۱۴۰۴ و جنگ ۱۲ روزه هانند ۵ دی ۸۸، عرصه‌ای برای سنجش میزان بصیرت و آمادگی ملت در برابر دسیسه‌های جدید دشمن بود. اگر ۵ دی، تقابل با فتنه براننداز از طریق نظام - البته با هدايت و صحنه‌گردانی عوامل خارجی- بود، جنگ ۱۲ روزه ۱۴۰۴، عرصه مقابله با جنگ سخت دشمن و صهیونیستی و آمریکا بود. دشمنان که از مقاومت ملت در برابر جنگ نرم و تحریم‌های اقتصادی نتیجه‌ای نگرفتند بودند، تلاش کردند با هدف عملیاتی نظامی گسترده و سازمان‌یافته، ساختار نظامی و دفاعی کشور را هدف قرار دهند. این جنگ سخت ۱۲ روزه، تلاشی سازمان‌یافته برای ورود نظامی به خاک ایران و ایجاد بحران امنیتی بود و با محاسبات بلند همتا همراه شد و شکست سختی در دوران حیات با برکت شهادت خواجه‌زاده چندین موشک و زوایای از خسارت‌هایی که دشمن صهیونیستی در این جنگ خورده است نه توسط رسانه‌های داخلی تقابل، بلکه توسط رسانه‌های درون رژیم صهیونیستی و رسانه‌های نظام سلطه از قبیل نی‌یوسی، نیویورک تایمز و... منتشر می‌شود و ننگ و زبونی را برای آنها بر بارغان می‌آورد.

نقش رهبری در این بزرگراه، همواره نقش محوری و تعیین‌کننده بوده است. ۹ دی، رهبری با روشنگری بزرگ و در هر دو مقطع، حضور و رویت ساختار و مردم را به حرکت فراخواندند و پس از شهادت حاج قاسم در ۱۳ دی، با فرماندهی هوشمندانه مردم، زمینه را برای پاسخگویی در ۱۸ دی و شلیک موشک به بزرگ‌ترین پایگاه آمریکایی‌ها در عراق «عین الاسد» فراهم کردند. در جنگ ۱۲ روزه در ۱۴۰۴، با حفظ آرامش و اتکا به نیروهای داخلی، نقشه دشمن برای حضور در اقیان فراتر از خنثی کردن و در ادامه جنگ با عمل فرماندهان جدید و وجود در اتمام حجت‌های دشمن صهیونیستی در برابر تقابل خود بشمار کردن رهبری معظم انقلاب، با تکیه بر مکتب و اندیشه‌های امام راحل، توانستند در بار یک حشمت، از جابجانه‌های این تیر نیز تاریخی، صوفوف خود در برابر دشمن بر اتکا به خدا و مردم بوده است.

دی‌ماه، ماه حماسه‌های است که ریشه در هویت ایمانی ملت ایران دارد. دی ۹، تثبیت‌کننده پیروزی در جنگ نسرم بود و جنگ ۱۲ روزه که در ۱۴۰۴ تیر خسد تثبیت‌کننده پیروزی در مقابل یک عملیات نظامی ناجوحد اما برحجم بود. تحلیل تطبیقی این دو رویداد نشان می‌دهد که دشمن، استراتژی ثابتی در تقابل با بنیان‌های اساسی ملت ایران دارد. دشمن در فتنه ۸۸ تلاش کرد با این برستن اعتقاد مردم و رهبری و نظام، سرزنش کشور را تغییر دهد و در دستور انتخابات با ابزار رسانه آنها را باور را خنثی‌شمار کند و در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴ تلاش کردند از طریق فشار نظامی و ایجاد وحشت، از دیگر این باور را تضعیف کنند اما در هر دو بار، مردم ایران با درک عمیق از جابجانه‌های این تیر نیز تاریخی، صوفوف خود در برابر دشمن بر احکمت و ر و مسجیم‌تر کردند.

حماسه نهیم دی ۸۸ و جنگ ۱۲ روزه که سوم دی ۱۴۰۴ پایان بخش آن بود وجود مشترک زیادی دارد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد - در هر دو حماسه اراده و بصیرت مردمی موج می‌زند، چرا که نقش محوری مردم در تشخیص صییح محنت، عامل اصلی پیروزی بود. - در این دو حماسه، آمریکا و رژیم صهیونیستی و دنباله‌های آنها دچار خطای محاسباتی شده بودند و در شناخت ملت ایران شکست خوردند. - هم در فتنه ۸۸ و هم در جنگ ۱۲ روزه، هدف ثابت دشمنان تضعیف جبهه مقاومت و بی‌ثبات‌سازی ایران بود، سرفرنظر از ابزار به کارگیری که در فتنه ۸۸ و در جنگ ۱۲ روزه شاهد جنگ ترسناک بودیم و سخت بودیم. - بصیرت‌ورزی میدانی نیروهای مسلح و بسیج در فتنه ۸۸ و اقتدار نظامی در ۱۲ روزه، از آن وجه مشترکی بود که در هر دو به نوعی تکرار شد. بسیج نیروهای مسلح ۱۲ ماهه و تبعیت از اقتضای مشتتی آشوبگر را از خوشبختنداری مثال‌زدنی خود تحمل کردند و در ۹ دی همچون آتش‌فشان، همراه با مردم به لطمه‌ای در مقابل دشمن متجاوز صهیونیستی تسلیل کردند و با اقتدار نظامی تا پای جان در مقابل دشمن ایستادند و دشمن صهیونیستی را خوار و زبون کردند. - تابشیر رهبری حکیم و فراز انقلاب در مدبرین بحران‌ها و هدايت مردم به پیروزی از آن نقاط عطفی است که این تیر نیز تاریخی، صوفوف خود در برابر دشمن بد مدیریت عالمانه و هوشمندانه، تحسین و حیرت را نه در بین دوستاندار انقلاب، بلکه در میان مخالفین و دشمنان انقلاب نیز رانزند. - در ایران حاکمیت می‌توان گفت، در زمان حماسه‌هایی که تاکنون ملت ایران خلق کرده، بنیان این دو حماسه بزرگ نقاط درخشان هویت‌ساز ملت ایران است که عظمت مردم ایران را به نمایش گذاشت و چراغ راه آینده در برابر توطئه‌های دشمن شد.

حسن روشند

وزیر امور خارجه اظهار داشت: سردار سلیمانی، تجسم عینی و عملیاتی مقاومت بود و حضور استوار و حکیمانه‌اش در جبهه‌های دفاع از ایران و امت، به‌تنهایی سنگری استوار در برابر امواج خروشان تهدیدات و توطئه‌ها ایجاد کرد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز دوشنبه (۸ دی ماه) در بخشی از سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی «سپهبد عینی و عملیاتی مقاومت: دیپلماسی مقاومت» در تهران، اظهار داشت: «دیپلماسی مقاومت محور» گذاشت.

وی افزود: «دیپلماسی مقاومت محور» مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد و «محور مقاومت» یکی از ابعاد آن است. سردار سلیمانی، تجسم عینی و عملیاتی مقاومت بود و حضور استوار و حکیمانه‌اش در جبهه‌های دفاع از ایران و امت، به‌تنهایی سنگری استوار در برابر امواج خروشان تهدیدات و توطئه‌ها ایجاد کرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشور در ادامه بیان داشت: او با بصیرتی عمیق درهفته بود که امنیت حقیقی و پایدار، تنها در پناه دیوارهای بلند و زرادخانه‌های تسلیحات به دست نمی‌آید، بلکه در اراده‌های استواری ریشه‌دار که در سایه ایمان و ایثار، در برابر هر تهدید و توطئه‌ای تاب و توان می‌بخشد. در این اراده و ایمان و اعتقاد به حق و عدالت است که افراد و ملت‌ها را در برابر هر روز گویی و طراحی شوم، تابآور نموده و توان ایستادی می‌بخشد.

وی همچنین اضافه کرد: از منظر، میراث گران‌بستهٔ سردار سلیمانی، منحصراً به برنامه‌ریزی‌های دقیق عملیاتی و پیروزی‌های میدانی نبود و با نگاهی استراتژیک و فراملی، گفتمان مقاومتی از این کشور و منطقه و نظری و شعاری خارج ساخت و آن را به یک قدرت ملموس، مؤثر و دگرگون‌کننده معادلات در جغرافیای

حسابی و پراشتهاب خاورمیانه و غرب آسیا تبدیل کرد. او ثابت کرد مقاومت، یک «انتخاب» راهبردی و تنها راه ممکن برای ملت‌هایی است که کرامت خود را بر هر چیز دیگری مرجع سنجری استوار در برابر امواج خروشان تهدیدات و توطئه‌ها ایجاد کرد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز دوشنبه (۸ دی ماه) در بخشی از سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی «سپهبد عینی و عملیاتی مقاومت: دیپلماسی مقاومت» در تهران، اظهار داشت: «دیپلماسی مقاومت محور» گذاشت.

وی افزود: «دیپلماسی مقاومت محور» مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد و «محور مقاومت» یکی از ابعاد آن است. سردار سلیمانی، تجسم عینی و عملیاتی مقاومت بود و حضور استوار و حکیمانه‌اش در جبهه‌های دفاع از ایران و امت، به‌تنهایی سنگری استوار در برابر امواج خروشان تهدیدات و توطئه‌ها ایجاد کرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشور در ادامه بیان داشت: او با بصیرتی عمیق درهفته بود که امنیت حقیقی و پایدار، تنها در پناه دیوارهای بلند و زرادخانه‌های تسلیحات به دست نمی‌آید، بلکه در اراده‌های استواری ریشه‌دار که در سایه ایمان و ایثار، در برابر هر تهدید و توطئه‌ای تاب و توان می‌بخشد. در این اراده و ایمان و اعتقاد به حق و عدالت است که افراد و ملت‌ها را در برابر هر روز گویی و طراحی شوم، تابآور نموده و توان ایستادی می‌بخشد.

وی همچنین اضافه کرد: از منظر، میراث گران‌بستهٔ سردار سلیمانی، منحصراً به برنامه‌ریزی‌های دقیق عملیاتی و پیروزی‌های میدانی نبود و با نگاهی استراتژیک و فراملی، گفتمان مقاومتی از این کشور و منطقه و نظری و شعاری خارج ساخت و آن را به یک قدرت ملموس، مؤثر و دگرگون‌کننده معادلات در جغرافیای

حسابی و پراشتهاب خاورمیانه و غرب آسیا تبدیل کرد. او ثابت کرد مقاومت، یک «انتخاب» راهبردی و تنها راه ممکن برای ملت‌هایی است که کرامت خود را بر هر چیز دیگری مرجع سنجری استوار در برابر امواج خروشان تهدیدات و توطئه‌ها ایجاد کرد.

جبهه مقاومت با محوریت ایران در حال بازسازی در سراسر خاورمیانه است

یک اندیشکده آمریکایی تأکید کرد: جبهه مقاومت با محوریت ایران در سراسر خاورمیانه، در حال بازسازی هماهنگ خود است و در این مسیر از کمک‌های چین و روسیه بهره می‌گیرد. اقدامات فهری نمی‌تواند نفوذ ایران را در منطقه ریشه‌کن کند و غیرقابل دفاع است. ایران آموخته که از چالش تغییر شکل نظم منطقه‌ای بهره‌برداری کند.

اندیشکده خاورمیانه (Middle East Institute) مستقر در واشنگتن در گزارشی تحلیلی نوشت: محور مقاومت به یک شبکه غیرمتمرکز یک تبدیل شده که به موازات اپدولوژی استقامت، پشتیبانی می‌شود. این محور به عنوان یک مجموعه آزاد از شبه‌نظامیان نیمه‌مستقل که با یک دکترین بازدارندگی مشترک به هم پیوند خورده‌اند، فعالیت می‌کند. در لبنان، حزب‌الله، در حال تجدید تسلیحات خود بوده و تلاش دارد خود را از طریق کردیوهای سوریه، چه مستقیماً از ایران و چه از رزاهانه‌های تسلیحاتی در داخل سوریه، دوباره پر کرده است.

مقامات و تحلیل‌گران ایرانی به طور خاص از عبارت صبر استراتژیک برای نشان دادن اینکه محور مقاومت در حال سازماندهی روایت شده است، نه غیرعینیتی، استفاده می‌کنند. اعضای محور مقاومت نیز روایت مشابه را مطرح کرده‌اند: رهبر حوثی‌ها، اسلام کرد، محور مقاومت، طور کلی از مشایب مقاومت است. هدف در عراق، تقویت قدرت متحنان ایران از طریق باز کردن دسترسی آنها به منابع کشور میزبان از طریق ادغام در دولت بوده است. سرد دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به بیان این موضوع پرداخته و گفت: حشدالشعبه، در ساختارهای دولتی را افزایش داد. در تلاش، ایران برغم اختلال گامه‌های همچنان به حوثی‌ها کمک می‌کند.

منابع اطلاعاتی از دینار اعمال تحریم‌های شورای امنیت، تحویل ۲ هزار تن پر کراتر سدید به بنابرسان ایران از رصد کرده‌اند که مواد شیمیایی چینی را به بیشترین‌های موشکی نیروهای متحد ایران ان تربط می‌کنند. تأثیر نهایی همه این تحولات در منطقه، بازسازی هماهنگ شبکه محور مقاومت برای بازیابی آرام آمدادی عملیاتی است.

محققین تحقیقات، از یک شبکه پیچیده نفت ایران که توسط ناوگان‌های تسبیج و فرم‌های بیمه دریایی پشتیبانی می‌شود، خبر می‌دهد که نفت را از طریق شرکت‌های صوری در خلیج‌فارس، شرق آفریقا، امارات، هنگ کنگ و مالزی هدايت می‌کنند.

بخشی از استراتژی بازسازی محور مقاومت، استفاده از حمایت روسیه و چین است. روسیه، به‌ویژه از راه کرد، ۱۲ روزه، به سفارت فزیده به عنوان سبر دیپلماتیک برای ایران اعلام کرده و حق وتو شورای امنیت، پیام‌راسی عمومی و مجامع چندجانبه برای کاهش فشار غرب بر محور مقاومت استفاده کرده است. مسکو حمایت اسرائیل را محکوم، و اطلاعات ایران را دفاعی توصیف خوانده و اقدامات شورای امنیت را تعدیل یا مسود کرده است. همچنین سلاح‌های ساخت روسیه در دستان حزب‌الله دیده شده؛ از جمله موشک‌های ضدتانک کورنت و کنکورس که اهداف اسرائیلی استفاده شدند. در دریای سرخ، گزارش‌ها مبنی بر اینکه روسیه به‌موقع رفت موشک‌های ضدکشتنی پیشرفته را به حوثی‌ها منتقل کند و داده‌های هدف‌گیری را برای پشتیبانی از حملات به کشتی‌های غربی ارائه دهد، نشان می‌دهد که چگونه این همکاری، حوزه‌های گوناگون را در بر می‌گیرد و شبکه متحد ایران را تقویت می‌کند.

البته، نیازهای ارتش و تعدیل یا مسود کرده است. همچنین سلاح‌های ساخت روسیه در دستان حزب‌الله دیده شده؛ از جمله موشک‌های ضدتانک کورنت و کنکورس که اهداف اسرائیلی استفاده شدند. در دریای سرخ، گزارش‌ها مبنی بر اینکه روسیه به‌موقع رفت موشک‌های ضدکشتنی پیشرفته را به حوثی‌ها منتقل کند و داده‌های هدف‌گیری را برای پشتیبانی از حملات به کشتی‌های غربی ارائه دهد، نشان می‌دهد که چگونه این همکاری، حوزه‌های گوناگون را در بر می‌گیرد و شبکه متحد ایران را تقویت می‌کند.

البته، نیازهای ارتش و تعدیل یا مسود کرده است. همچنین سلاح‌های ساخت روسیه در دستان حزب‌الله دیده شده؛ از جمله موشک‌های ضدتانک کورنت و کنکورس که اهداف اسرائیلی استفاده شدند. در دریای سرخ، گزارش‌ها مبنی بر اینکه روسیه به‌موقع رفت موشک‌های ضدکشتنی پیشرفته را به حوثی‌ها منتقل کند و داده‌های هدف‌گیری را برای پشتیبانی از حملات به کشتی‌های غربی ارائه دهد، نشان می‌دهد که چگونه این همکاری، حوزه‌های گوناگون را در بر می‌گیرد و شبکه متحد ایران را تقویت می‌کند.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج قاسم بود.

بازگرداندن افراد حاشیه‌نشین به چرخ امنیت نشان می‌داد که ثبات پایدار بدون توجه به کرامت انسان‌ها ممکن نیست و در این راستا، تجربه جنوب شرق ایران جلوه عینی از پیوند امنیت، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی در رویکرد حاج